**جلسه 98-209**

**سه‌شنبه – 28/01/۹7**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به تستر مرد در غیر نماز و در نماز بود. در غیر نماز صاحب عروه فرمود آنچه واجب است ستر دبر است که بالالیتین مستور است و ستر قضیب و بیضتین است که می‌‌تواند با دست خودش یا دست همسرش و یا گل، ‌گچ و مانند آن بپوشاند.

یک روایتی مطرح کردیم از عبیدالله رافقی یا مرافقی. مناسب هست که یک مقدار راجع به سندش و دلالتش بحث کنیم که در رابطه با امام باقر علیه السلام گفت. این روایت را صدوق در من لایحضره الفقیه به سند صحیح نقل می‌‌کند از عبید الله رافقی. سند در مشیخه این است: جعفر بن محمد بن مسرور که از اجلاء هست، عن الحسین بن محمد بن عامر، نجاشی توثیقش کرده، ‌عن عمه محمد بن عامر، او را هم نجاشی توثیق کرده، عن محمد بن زیاد ازدی، ابن ابی عمیر، عن عبیدالله رافقی، ‌عبیدالله رافقی می‌‌شود جزء مشایخ ابن ابی عمیر، ما مشایخ ابن ابی عمیر را ثقه می‌‌دانیم. پس سند روایت تا اینجا خوب است. متنش این است، عبیدالله رافقی می‌‌گوید دخلت حماما بالمدینة فاخبره صاحب الحمام، صاحب الحمام مجهول است که ثقه بوده، ‌ثقه نبوده.

می‌گوید که ان اباجعفر علیه السلام امام باقر علیه السلام کان یدخله فیطلی عانته و ما یلیها ثم یلف ازاره علی اطراف احلیله، تا اینجا که مشکلی نیست، حضرت در مکان خلوت نوره می‌‌گذاشتند بعد لنگ می‌‌بستند و یدعونی فاطلی سائر بدنه فقلت له یوما من الایام ان الذی تکره ان اری قد رأیته، می‌‌گوید اتفاقا یک روز خدمت حضرت عرض کردم آقا! آنی که نمی‌خواستی ببینم دیدم، ‌قال کلا ان النورة ستره یا ان النوره سترة.

معلوم نیست که این صاحب الحمام عضو خاص را دیده. ان الذی تکره ان اری قد رایته، شاید اطراف بوده که حضرت اصرار داشت کسی نبیند. خب صاحب الحمام می‌‌دید هر وقت حضرت به حمام تشریف می‌‌آورند چقدر مقید هستند اما امروز اتفاقا لنگ یک مقدار کنار رفت، ‌حالا بخشی از فخذ حضرت یا بخشی از پایین ناف حضرت دیده شد، ان الذی تکره ان اری قد رأیته قال کلا ان النورة سترة.

پس این روایت غیر از ضعف سند بخاطر مجهول بودن صاحب الحمام ضعف دلالت هم دارد؛ معلوم نیست که او عضو را دیده و حضرت فرمود این عضو مستور است به نوره.

[سؤال: ... جواب:] تمام بدن‌شان را نوره می‌‌مالیدند، ‌حالا برخی از آن عضو را هم ممکن است اصلا زیر لنگ بوده، آن مقدار که آشکار شده نوره داشته. حالا کجا آشکار شده؟ شاید بخشی از فخذ آشکار شده، ‌بخشی از بالای عضو و پایین‌تر از ناف آشکار شده، ‌مقدار از عانه آشکار شده، چه می‌‌دانیم.

ولی یک روایتی هست در کافی عمر بن یزید نقل می‌‌کند از عمویش محمد بن عمر عن بعض من حدثه ان اباجعفر علیه السلام کان یقول من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلایدخل الحمام الا بمئزر قال فدخل ذات یوم الحمام فتنوّر فلما اطبقت النورة علی بدنه القی المئزر، خود حضرت لنگ را کنار زدند فقال له مولی له بابی انت و امی انک لتوصینا بالمئزر و لزومه و قد القیته عن نفسک فقال علیه السلام أما علمت ان النورة قد اطبقت العورة.

این دیگه جایی برای مناقشه در دلالتش نیست. فقط مرسله است، ‌محمد بن عمر خودش توثیق ندارد، عن بعض من حدثه هم که مرسل است. و لذا اعتباری به آن نیست.

این راجع به ستر غیر صلاتی.

[سؤال: ... جواب:] یعنی حضرت در جای خلوت نوره می‌‌مالیدند بعد لنگ را می‌‌بستند به اطراف خودشان. ... یئتزر یعنی یلف، بعد صدا می‌‌زدند صاحب الحمام بیاید پشت‌شان یا سینه‌شان را می‌‌فرمودند تو نوره بمال. این مشکلی ندارد.

اما بحث ستر صلاتی:

در ستر صلاتی بحث در این بود که در ستر صلاتی فرمودند ما استفاده کردیم تستر به ثوب را آن هم به نحو لبس الثوب. و لذا مرحوم آقای خوئی وفاقا لصاحب العروة فرمود که در حال اختیار باید لبس ثوب بکند. حتی تصریح می‌‌کنند مرحوم آقای خوئی که این افرادی که روی تخت نماز می‌‌خوانند لحاف روی خودشان بکشند نماز بخوانند این کافی نیست چون این‌ها عرفا عاری هستند و روایات می‌‌گوید که نماز عریانا نباید خوانده بشود مگر در حال ضرورت. عاری در مقابل لابس ثوب است. ایشان فرمودند که روایاتی که دلالت می‌‌کند بر شرطیت لبس ثوب را مطرح می‌‌کنیم:

اولین روایت صحیحه علی بن جعفر است: عن اخیه موسی علیه السلام قال سألته عن رجل عریان و حضرت الصلاة فاصاب ثوبا نصفه دم او کله دم یصلی فیه او یصلی عریانا؟ قال ان وجد ماء غسله و ان لم یجد ماء صلی فیه و لم یصل عریانا.

آقای خوئی می‌‌فرمایند آن فقره اولی که ان وجد ماء غسله واضح است در این‌که اگر آب هست این ثوب نجس را بشورد و در ثوب نجس بعد از تطهیرش نماز بخواند. بله، آن فقره ثانیه که و ان لم یجد ماء صلی فیه و لم یصل عریانا معارض دارد؛‌ معارضش موثقه سماعه است که دارد که یصلی عریانا. ما فعلا بحث‌مان در فقره اولی است که ان وجد ماء غسله.

یک نکته عرض کنم:

آقای زنجانی معتقدند که تعارضی بین موثقه سماعه که می‌‌گوید که یصلی عریانا و بین این صحیحه علی بن جعفر که می‌‌گوید و لم یصل عریانا نیست. چون مورد صحیحه علی بن جعفر ثوب متنجس به دم هست، مورد موثقه سماعه ثوب متنجس به منی است، اجنب فیه و لیس عنده ماء، و ما احتمال فرق می‌‌دهیم. موردش مختلف است.

طبق بیان آقای زنجانی تعارض هم نیست. اما آقای خوئی مثل مشهور فرق نمی‌گذارند بین انواع نجاسات در این حکم، معارض گرفتند لم یصل عریانا را با یصلی عریانا که البته لطمه‌ای به استدلال در مقام نمی‌زند.

روایت دوم صحیحه زراره است: قلت لابی جعفر علیه السلام رجل خرج من سفینة‌ عریانا او سلب ثیابه و لم یجد شیئا یصلی فیه قال یصلی ایماء و ان کانت امرأة جعلت یدها ‌علی فرجها و ان کان رجلا وضع یده علی سوءته ثم یجلسان فیؤمیان ایماء و لایسجدان و لایرکعان فیبدو خلفهما.

آقای خوئی فرموده ببینید! مرتکز زراره این بود که اگر ثوب دارد، ‌در ثوب نماز بخواند. ‌فرض کرد شخصی است که ثوب ندارد چه بکند؟ امام هم ارتکاز زراره را تقریر کرد. و ذیل حدیث هم دارد که امر به صلات عریانا با حالت ایماء بخاطر این است که در حال رکوع و سجود خلف‌شان آشکار نشود یعنی دبرشان آشکار نشود؛ پس معلوم می‌‌شود ستر دبر لازم هست که در حال عریان بودن هم گفتند که ایمائی نماز بخوانند تا ما بین الالیتین‌شان مستور بماند.

البته اگر کسی نیست، اگر کسی هست در روایت داریم نشسته نماز بخوانند آن هم با حالت ایماء. منتهی این ربطی به بحث ما ندارد چون بحث ما ستر به ثوب هست او دیگه در حال رکوع و سجود گفته که دولا و راست نشوند، همان با اشاره سر رکوع و سجود کنند، خب دولا بشوند منکشف می‌‌شود آن‌که نباید منکشف بشود.

روایت سوم روایت ابی البختری وهب بن وهب هست عن جعفر بن محمد عن ابیه علیهم السلام من غرقت ثیابه فلاینبغی له ان یصلی حتی یخاف ذهاب الوقت یبتغی ثیابا. حضرت در این روایت فرمود کسی که لباسش در دریا غرق شده صبر کند آخر وقت نماز بخواند و در این مدت بگردد ببیند لباس پیدا می‌‌کند یا نه.

خب این هم دلیل بر این است که آدم تا می‌‌تواند باید با لباس نماز بخواند. منتها سندش مشکل دارد بخاطر ابی البختری وهب بن وهب که گفتند اکذب البریة است. ولی آقای زنجانی در کتاب نکاح توثیق می‌‌کرد او را. ما اشکال می‌‌کردیم.

[سؤال: ... جواب:] لاینبغی یعنی نمی‌شود. لاینبغی به معنای شایسته نیست معنا نکنید. لاینبغی یعنی نمی‌شود. لاالشمس ینبغی لها ان تدرک القمر و لا اللیل سابق النهار یعنی نمی‌شود. در روایت صحیحه زراره هم وقتی امام فرمود لاینبغی تزویج الکتابیة، زراره گفت من این تحریمه؟ از کجا می‌‌فرمایید حرام است؟ حضرت آیه خواندند. معلوم می‌‌شود او هم از لاینبغی تحریم فهمید، نمی‌شود فهمید و او هم عرف بود.

روایت چهارم صحیحه محمد بن مسلم است: الرجل یصلی فی قمیص واحد فقال اذا کان کثیفا فلابأس به.

این معنایش چیه؟ معنایش این است که اگر قمیص رقیق باشد که حاکی از جسد است صحیح نیست. پس باید لباسی که در آن نماز می‌‌خوانیم رقیق نباشد یعنی لازم است صلاة فی ثوب کثیف أی غیر رقیق. استدلال کردند گفتند دلیل می‌‌شود بر این‌که باید لباسی بپوشد که این لباس رقیق نباشد و در آن نماز بخواند.

روایت بعد صحیحه دیگر محمد بن مسلم است: سألته عن الرجل یصلی فی قمیص واحد او قباء طاق او فی قباء محشوّ و لیس علیه الازرار، ‌شخصی در یک لباس مثل این دشداشه‌های عربی یا فقط سروال نماز می‌‌خواند، ‌قمیص واحد حضرت فرمود اذا کان علیه قمیص صفیق أو قباء لیس بطویل الفُرَج فلابأس. اگر یک لباس غیر رقیق دارد، صفیق در مقابل خفیف هست، یعنی غلیظ که نازک نیست که حاکی از جسد باشد، اگر قمیص غیر نازک دارد یا قبائی دارد که فاصله‌های دوخت آن زیاد نیست که از آن فاصله‌ها عورتش دیده بشود، فلابأس.

خب این هم معنایش این است که اذا لم یکن علیه قمیص صفیق ففیه بأس.

به نظر ما همان‌طور که مرحوم آسید ابوالهادی شیرازی یا آشیخ علی جواهری که هر دو از فقهاء‌ بزرگ بودند فرمودند در ذیل مسأله 16 عروه، از این روایات استفاده نمی‌شود ساتر خاص؛ مقتضای صناعت این است که کافی است مطلق ساتر و لو گچ، گل تا چه برسد به گیاه. چرا؟ برای این‌که ما اگر بودیم و مقتضای قاعده اولیه حداقل بخاطر اصل برائت می‌‌گفتیم بیش از این لازم نیست. می‌‌ماند این روایاتی که آقایان استدلال کردند؛ به نظر ما این روایات ظهور ندارد در شرطیت تعبدیه تستر به ثوب.

مثلا همان صحیحه علی بن جعفر، فرض این بود که این آقا یک لباس نجس دارد یا باید در او نماز بخواند یا عریانا نماز بخواند، امام فرمود اگر آب دارد بشورد و در او نماز بخواند، ‌عریانا نماز نخواند. ظهور عرفی عریانا نماز بخواند از نظر عرف یعنی بدون ساتر. لااقل من الشک. درست است که دو استعمال دارد عریان، به آن شخصی هم که زیر لحاف لخت هست، وقتی از او می‌‌پرسند انت عار‌ ام لا؟ به یک معنا می‌‌گوید انا عار، انا عریان، در مقابل این‌که لابس ثوب نیستم. اما اگر بگویید آقا! رفتم داخل اتاق فلانی عریان بود، می‌‌گوید عجب! هیچ خودش را هم جمع نکرد می‌‌گویم البته در روی تخت زیر لحاف بود آن هم لحاف زمستانی‌، می‌‌گوید مرد حسابی! تو می‌‌گویی عریان بود این معنای دیگری را می‌‌فهماند. من قبول دارم که گاهی عاری در مقابل لابس ثوب است ولی ظهور عرفی عاری هم همین است که لابس ثوب نیست و لو متستر است به یک ساتری؟ مثلا با برگ درخت خود را پوشانده است. اگر بگوییم هو عریانٌ ظهور عرفیش می‌‌گیرد این شخص را؟ بله، گاهی به این شخص هم می‌‌گویند عریان.

[سؤال: ... جواب:] مسلم در نماز پوشاندن عورت با دست کافی نیست؛ بحث در ساتر خارجی است. این‌که با گیاه خود را بپوشاند، ‌با گچ خود را بپوشاند، آقا گچ خریده بود برای بنایی، دید که این لباسش که نجس است، حالا بیاید در این هوای سرد لباس بشورد حوصله ندارد، رفت یک استانبولی گچ درست کرد و مالید به جلو و پشتش که اصلا حجمش هم دیده نشود، حتی این مقدار هم مراعات کرد، کجا از این روایت استفاده می‌‌شود که این درست نیست؟ اتفاقا این روایت که می‌‌گوید ظهورش این است که اگر این لباس نجس را نپوشد، باید عریان نماز بخواند یعنی چیز دیگری را در دسترس ندارد. ... همه که گیاه نداشتند در دسترس. با خاک که گل بکند که معمولا نمی‌توان ستر کرد چون نمی‌ماند، تجربه کنید! باید یک خاک مخصوصی باشد، یک گیاهی باشد که بماند و الا هر چی گل بگذارد می‌‌ریزد زمین. ... فرض این است که می‌‌گوید که اگر ثوب نجس را در آن نماز نخواند باید برود عریان نماز بخواند و عرف در این موردی که شخص یک ساتر دیگری دارد و لو ثوب بر او صادق نیست. مثل این‌که در خانه پنبه دارد می‌‌خواهد لحاف درست کند، ‌این پنبه‌ها را آورد یک مقدار چسب هم به آن چسباند زد به بدن خودش، عرفا احراز می‌‌کنیم به این می‌‌گویند صلی عریانا؟ این روایات شامل این می‌‌شود؟ واقعا محرز نیست.

یا مثلا صحیحه محمد بن مسلم. بابا! صحیحه محمد بن مسلم فرض این است در قمیص نماز خواند، می‌‌گوید این قمیصی که در این نماز خواندی به این قمیص اکتفاء نکنی اگر این قمیص رقیق است. ظاهر این روایت این است که الرجل یصلی فی قمیص واحد امام فرمود اگر رقیق است کافی نیست، ‌ان کان کثیفا فلابأس. کجا از این روایت استفاده می‌‌شود که حتما باید ساتر تو قمیص باشد، ثوب باشد؟

یا صحیحه علی بن جعفر دوم که الان می‌‌خوانم: سألته عن الرجل قطع علیه او غرق متاعه فیبقی عریانان و حضرت الصلاة کیف یصلی؟‌ قال ان اصاب حشیشا یستر به عورته اتم صلاته بالرکوع و السجود و ان لم یصب شیئا یستر به عورته اومأ و هو قائم. امام فرمود این شخصی که لباسش غرق شده است یا قطاع الطریق لباسش را دزیده‌اند و عریان ماند، اگر گیاهی پیدا کرد که با آن عورتش را بپوشاند نماز اختیاری بخواند.

آقای خوئی فرمودند ببینید! امام علیه السلام اول فرمود لباس، اگر نبود بعد نوبت می‌‌رسد به حشیش، گیاه، گیاه خصوصیت ندارد ایشان می‌‌فرماید هر ساتری و لو طین اگر قابل تستر باشد در مرحله دوم نوبت به او می‌‌رسد.

واقعا این روایت ظهورش در این است که می‌‌خواهد بگوید اول لباس، اگر لباس نشد بعد حشیش؟ یا نه، ‌در این صحیحه علی بن جعفر دوم بیشتر از این نمی‌شود استظهار کرد که این مکلف ثوبی نداشت، متحیر ماند چه جور نماز بخواند، امام راه به او نشان داد، ‌فرمود اگر گیاه هست یا چیزی هست که با او ستر عورت بکنی برو سراغ آن. توجه نداشت علی بن جعفر، فرض کرد رجل قطع علیه او غرقت ثوبه کیف یصلی؟ چه جور نماز بخواند؟ خب امام راه به او نشان داد، فرمود اگر گیاه هست برو با گیاه ستر کن نماز بخوان. این معنایش این است که امام دارد می‌‌فرماید اگر لباس داشتی حق نداری با گیاه خودت را بپوشانی؟ این است ظهور عرفیش؟ الان از شما می‌‌پرسند آقا! یک کسی در بین راه دزدان ریختند لباس هایش را دزدیدند این چه جور نماز بخواند؟ شما می‌‌گویید اگر آن اطراف گیاهی هست که با گیاه خودش را بپوشاند نماز با رکوع و سجود بخواند، ‌اگر چیزی نیست که با آن خودش را بپوشاند ایمائا نماز بخواند. این معنایش این است که شما داری بیان می‌‌کنی به طرف مقابل که اینی که من گفتم در حالی است که شما فاقد ثوبی، اگر واجد ثوب بودی حق نداری با گیاه ستر عورت بکنی و نماز بخوانی؟ کی همچون ظهوری دارد؟

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که او عریان بود، لباسش دزدیده شد عریان بود، می‌‌پرسد چه جور نماز بخوانم؟ حضرت راه نشان می‌‌دهد می‌‌گوید اگر گیاهی بود یا چیز دیگری بود که با او ستر عورت بکند، ‌با او ستر عورت بکند و نماز اختیاری بخواند. چه ظهور عرفی دارد در این‌که امام علیه السلام دارد تایید می‌‌کند این مطلب را که در حال اختیار حق ندارید با حشیش و امثال آن ستر عورت بکنید در نماز. اصلا ارتکاز سائل را نمی‌فهماند چون سائل می‌‌گوید عریان بود چه جور نماز بخواند شاید اصلا در ذهنش نیامده این راه‌ها. مثل این‌که از شما می‌‌پرسند یک آقایی در بیابان گیر کرده، ‌آب نیست، همه چا یخ زده است چه جور نماز بخواند؟ شما می‌‌گویید اگر آتش می‌‌تواند روشن کند یک مقدار برف را بگذارد در ظرف، آب بشود. این معنایش این است که این کار اختیارا جایز نیست؟ نه، خیلی‌ها توجه ندارند به این راه حل‌ها، امام راه حل نشان داده. بر فرض ارتکاز سائل این بود که در حال اختیار باید با ثوب نماز خواند، سکوت امام دلیل بر تایید است؟ مگه او به خلاف واقع می‌‌افتاد؟ چه بهتر، ‌چه بهتر که انسان فکر کند که در حالی که واجد ثوب است باید با ثوب نماز بخواند، ‌نرود گیاه بردارد به خودش ببندد، ‌گچ به خودش بمالد، حداقل عمل به استحباب کرده. امام اگر سکوت بکنند در برابر این ارتکاز سائل نقض غرض لازم می‌آید؟‌ چه نقض غرضی لازم می‌آید بر فرض ارتکاز سائل هم بر این بود که عند امکان الثوب یجب لبس الثوب تا چه برسد به این‌که همچون ارتکازی فهمیده نشد از این روایت. و لذا به نظر ما ان لم یصب شیئا یستر به اختصاص به حشیش ندارد. البته آقای خوئی این را هم قبول ندارد که اختصاص به حشیش ندارد. امام بود که می‌‌فرمود طین در حال اضطرار هم کافی نیست.

[سؤال: ... جواب:] ان لم یصب شیئا که همه دست‌شان کنارشان است، ان لم یصب شیئا یعنی شیء خارجی.

بله، ما این عبارت را می‌‌توانیم به عنوان اشکال به امام مطرح کنیم که امام در مرتبه ثانیه لااقل مطلق ان لم یصب ما یستر به عورته را فرمود اعم از حشیش یا طین، پس چرا مرحوم امام قدس سره فرمود که طین کافی نیست، اگر فقط با طین بخواهد ستر عورت بکند وظیفه‌اش هنوز نماز ایمائی است؟ نه، این روایت اطلاق دارد ان اصاب حشیشا یستر به عورته اتم صلاته بالرکوع و السجود و ان لم یصب شیئا، نه ان لم یصب حشیشا، ان لم یصب شیئا شامل این حشیش هم می‌‌شود، ‌ان لم یصب شیئا یستر به عورته اوما و هو قائم. این آقایی که طین دارد، ‌گچ دارد اصاب شیئا یستر به عورته. پس حق نماز ایمائی ندارد.

اما صحیحه زراره: صحیحه زراره هم می‌‌گوید رجل خرج من سفینة عریانا و لم یجد شیئا یصلی فیه قال یصلی ایماء. آقا! لم یجد شیئا یصلی فیه ظهور عرفیش این است که یعنی ساتر ندارد، نه این‌که لم یجد شیئا یصلی فیه یعنی ثوبی که در آن نماز بخواند و لبس کند آن ثوب را ندارد. بیش از این ظهور ندارد که دارد بیان عرفی می‌‌کند که نمی‌تواند شرطیت ستر را رعایت کند. و لم یجد شیئا یصلی فیه یعنی نمی‌تواند شرطیت ستر را رعایت کند نه این‌که زراره ترکیز کرد در این مطلب که باید یک چیزی باشد که صدق کند صلی فیه یعنی در ارتکاز زراره این بود که اگر این شخصی که روی تخت خوابیده است و لخت است لحاف روی خودش بیندازد چون صدق نمی‌کند صلی فیه پس این نمازش باطل است. همچون ظهوری ندارد.

[سؤال: ... جواب:] بله، این نکته هم خوب است که امام هم وقتی بحث شد که و لم یجد شیئا یصلی فیه مرتبه بعد را نماز ایمائی مطرح کرد، اصلا بحث از حشیش و این‌ها مطرح نکرد، ‌بلافاصله فرمود اگر این‌جوری است که شما می‌‌گویید نماز عریانا با ایماء بخواند. این نشان می‌‌دهد که از کلام زراره و لم یجد شیئا یصلی فیه فهمید می‌‌خواهد بگوید ساتر ندارد.

و لذا به نظر ما حق با مرحوم آسید ابوالهادی شیرازی آشیخ علی جواهری است که در حال اختیار یکفی التستر بکل ساتر خارجی و لایکفی تستر به ید، مثلا به همسرش بگوید شما دست بگذار پشتم، ‌من دست می‌‌گذارم جلویم من نماز بخوانم، ‌نه، این دلیل ساتر خارجی را می‌‌گوید. ساتر به طین و حشیش و این‌ها اگر بود به نظر ما مجزی هست و لو با رجوع به اصل برائت.

این راجع به ستر الرجل فی الصلاة هست.

اما ستر المرأة فی الصلاة ببینیم آیا لازم است سرش را زن بپوشاند؟ کنیز لازم نیست، دختربچه لازم نیست. حره بالغه لازم است سرش را بپوشاند یا لازم نیست؟ لازم است موی سرش را بپوشاند یا لازم نیست؟ ابن جنید گفته که زن آزاد بالغه می‌‌تواند با موی باز و سر باز نماز بخواند‌، نمازش صحیح است، تقبل الله. ببینیم دلیل ایشان و دلیل مشهور در مقابل ایشان چیه.